



محمدجواد منوچهری، شاعر مجله پورسینا
شعرهایش را در محیط متفاوت کارش می‌سراید

پختگی شاعر پای کوره

۵۴



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

روایت زندگی علی علیزاده حسین آبادی
مداحی که دست خیلی‌ها را در محله کوی سلمان گرفته است

از برکت روضه موسی بن جعفر^(۴)

۶



افتتاح چهاردهمین بوستان ویژه بانوان مشهد
در منطقه ۶ پاسخی به نیاز مردم بود
«نصرتی» برای زنان منطقه ما

۳

نوجوان محله شهیدآوینی آرزو دارد
روزی در بین الحرمین نوحه‌سرایی کند
دل‌م برات تنگ شده حسین^(۴)

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



شما چه خبر

● آمادگی برای شرایط بحرانی

کارگروه مقابله با بحران شورای اجتماعی محله شهید آوینی، فعالیت خود را آغاز کرد. این کارگروه با هدف آموزش بانوان، کلاس هایی در حوزه های امداد و نجات، مقدماتی و پیشرفته، کمک های اولیه، مدیریت بحران و آمادگی برای حوادث غیرمترقبه برگزار می کند. نخستین جلسه آموزشی این طرح در مسجد جامع الهادی (ع) با حضور حدود هفتاد نفر از بانوان برگزار شد. شرکت کنندگان در این جلسه با مهارت های حیاتی اضطراری و مسئولیت پذیری در شرایط بحرانی آشنا شدند.



● روایت مادر شدن

عطائی اهیئت منتظران ظهور محله نیزه و ویژه برنامه ای برای مادران جوان در دبستان امام جعفر صادق (ع) برگزار کرد و کتاب «دو جان» با هدف ترویج فرهنگ فرزند آوری خوانده شد. برای حدود پنجاه نفری که در این برنامه شرکت کردند، در کنار این خوانش، نکات آموزشی و تربیتی از سوی مربی ارائه شد. در پایان مراسم نیز از بیست مادر جوان محله که در دهه کرامت صاحب فرزند شده بودند، قدردانی شد.

● روز مادرانه در وکیل آباد

بانوانی که سال گذشته در طرح ترنم زندگی شرکت کرده بودند، در قالب یک اردوی تفریحی، روزی به یادماندنی را در باغ وکیل آباد گذراندند. در این برنامه، حدود صد مادر و دختر از محله حسین آباد با همکاری کانون فرهنگی تربیتی «عترت» و حدود پنجاه نفر از محله مهدی آباد با مشارکت مسجد صاحب الزمان (عج) به این اردوی مشترک رفتند. وسیله رفت و برگشت نیز برای آسایش حاضران فراهم شده بود.



● تابستانی پر از مهارت

حدود هفتصد نفر از بانوان و کودکان محله شهید آوینی و محدوده گلشهر در دوره های فرهنگ سرای بهرمان شرکت کردند. این فرهنگ سرا با آغاز تعطیلات مدارس، کلاس های آموزشی برای بانوان و کودکان محله ارائه کرده که با استقبال گسترده ای همراه شده است. کلاس ها که از صبح تا حدود ساعت ۲۰ ادامه دارد، شامل مهارت های توانمندسازی برای درآمدزایی مانند خیاطی (نازک دوزی و ۲ و ۱، مجلسی و بچگانه)، بافتنی، شیرینی پزی، آشپزی و آشپزی ملل می شود. کلاس هایی مانند طراحی خط، خوش نویسی، رباطیک و تقویتی درسی برای کودکان نیز برگزار می شود.



عطائی شهردار منطقه ۵ از تملک و تخریب یک پلاک مسکونی در خیابان شهید مفتاح شرقی ۴۷ خبر داد. حسن صالحی مفرد گفت: این اقدام با هدف بازگشایی مسیر مسدود شده، بهبود عبور و مرور و کاهش مشکلات ناشی از آب افتادگی منازل در بارندگی ها انجام شده است. صالحی مفرد با اشاره به مشکلات ناشی از انسداد معبر در انتهای خیابان شهید مفتاح شرقی ۴۷ بیان کرد: این وضعیت نه تنها موجب بروز آب گرفتگی در منازل اطراف در ایام بارندگی می شود، بلکه تردد شهروندان در این مسیر نیز با اختلال مواجه بود. به همین دلیل، موضوع تملک پلاکی را که مانع از بازگشایی مسیر بود، در اولویت قرار دادیم. به گفته شهردار منطقه این پلاک ۹۴ مترمربعی در محدوده اراضی علاقه بند قرار داشته و با اعتبار ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در قالب اعتبارات زود بازده سال ۱۴۰۴ تملک شده است. صالحی مفرد گفت: عملیات تخریب ملک به سرعت انجام شد تا مسیر هرچه سریع تر بازگشایی شود.



با هدف رفع گره ترافیکی و مشکلات ناشی از آب گرفتگی انجام شد

**گشایش مسیر
با تملک یک
پلاک مسکونی**

شهردار منطقه ۵ افزود: با برداشته شدن این مانع، مسیر دسترسی از خیابان شهید مفتاح شرقی ۴۷ به مفتاح شرقی ۴۵، به طور کامل فراهم شده است. همچنین این اقدام باعث سهولت در رفت و آمد شهروندان به مجتمع سامان و روان سازی ترافیک در این محدوده شده است.

جمع کردن بساط انبارهای غیرمجاز ضایعات

در خردادماه، سه انبار غیرمجاز ضایعات در محله مهدی آباد و محدوده عباس آباد با هماهنگی دستگاه قضائی شناسایی و پلمب شد. هم زمان، هفتاد مورد بساط گستری در مسیرهای پر تردد شهروندان نیز جمع آوری و ۱۲۲ مورد اشیای سد معبر، از جمله سیزده دستگاه خودرو فرسوده و رهشده در معابر، از منطقه حذف شد. در راستای سامان دهی زباله گردی، زباله های جمع شده از سوی ۱۶۰ زباله گرداخذ و به سازمان پسماند تحویل داده شد. این افراد با هماهنگی گشت فرهنگ به خانه سبز هدایت شدند.

چهره تابستانی معابر

هم زمان با آغاز فصل تابستان و در راستای ایجاد طراوت و شادابی در منظر شهری، بیش از ۲۰ هزار بوته گل فصلی در معابر و میادین اصلی منطقه ۵ در حال کاشت است. گل هایی از گونه های جعفری، کرویسیس و گازانیاد در بولوارهای میزرا کوچک خان، وحدت، شهید رحیمی و میدان میزرا کوچک خان و بوستان وحدت جانمایی شده اند تا جلوه ای تازه به محیط شهری ببخشند. همچنین در ادامه رسیدگی به بهداشت فضای سبز، ۱۰ هزار مترمربع از بوته ها و پرچین های دائمی منطقه با استفاده از محلول های شوینده شست و شو شده است تا فضای عمومی با چهره ای پاکیزه و سالم تر به استقبال تابستان برود.



شهر خبر





افتتاح چهاردهمین بوستان ویژه بانوان مشهد
در منطقه ۶ پاسخی به نیاز مردم بود

«نصرتی» برای زنان منطقه ما

نیکی و عقیده! در خراسان رضوی ۴۴ پارک ویژه بانوان داریم که چهارده تای آن در مشهد قرار دارد. تازه ترینشان هم بوستان بانوان نصرت است که دوشنبه با حضور استاندار، شهردار، اعضای شورای شهر و جمعی از مدیران شهری افتتاح شد. از این به بعد، بانوان منطقه ۶ می توانند به این بوستان سر بزنند؛ فضایی دنج و مجهز برای تحرک، بازی و وقت گذرانی. از زمین والیبال و بدمینتون گرفته تا تیراندازی، تنیس، میز پینگ پنگ، شطرنج و وسایل بازی ورزشی دیگر. امکانات زیادی در اختیارشان خواهد بود تا چند ساعتی پانشا، از خودشان و حال خوبشان مراقبت کنند.



توجه مدیریت شهری به بانوان

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر مشهد در مراسم افتتاح این بوستان می گوید: مسائل حوزه بانوان باید دغدغه مدیران نیز باشد. پنجاه درصد جامعه بانوان هستند؛ بنابراین در مدیریت شهری باید تلاش کنیم فضای خوبی را برای خانواده های مشهدی فراهم کنیم. فاطمه سلیمی می افزاید: زنان ایرانی قهرمان پرور هستند؛ ایستادگی و مقاومت می کنند و در هر جریانی که قرار گرفته اند، کمک کننده اند. در ابتدای شورای ششم متوجه شدیم که بخش بانوان مغفول مانده است و کمیسیون بانوان ایجاد شد و اقداماتی را آغاز کردیم.

نخستین بوستان با کافه بازی

شهردار منطقه ۶ شهرداری مشهد نیز دلیل طولانی شدن این پروژه را نبود اعتبار مالی و زمان بر بودن خرید تجهیزات عنوان می کند. حسین بنایی منش با اشاره به جزئیات پروژه می گوید: شروع عملیات اجرایی بوستان در سال ۱۴۰۳ بود و خردادامال به بهره برداری رسید. به گفته او، مساحت اولیه بوستان ۶ هزار و ۵۰۰ مترمربع بود که اکنون به ۳۵ هزار مترمربع افزایش یافته است. این بوستان دارای بخش های متنوعی است و نخستین پارک در مشهد به شمار می آید که کافه بازی دارد. قرار است در این فضا، بازی های گروهی، تحرکی و فکری با رویکردی خلاقانه برگزار شود.

پاسخی به یک نیاز قدیمی

یکی از گلایه های همیشگی بانوان منطقه، نبود یک فضای تفریحی مناسب و مجهز بوده و حالا با افتتاح این بوستان، بالاخره پاسخی به این نیاز قدیمی داده شده است. بوستان بانوان نصرت در ابتدا با مساحت حدود ۶ هزار و ۵۰۰ مترمربع در پارک نصرت ساخته شد، اما به گفته مسئولان، به دلیل استقبال و مطالبه مردم، تصمیم گرفتند که

وسعت آن را بیشتر و ۳۰۵ هکتار کنند.

اکرم حق پناه، یکی از ساکنان محله پورسینا، امروز همراه دخترش به مراسم افتتاح بوستان بانوان نصرت آمده است. او با شور و شوق درباره فضا و امکانات جدید حرف می زند و می گوید: یکی از مشکلات اصلی ما همیشه این بود که برای تفریح، جای درستی نداشتیم؛ مثلاً بوستان بانوان رجانزدیکمان است، ولی هم خیلی کوچک است و هم امکانات خاصی ندارد. چند بار بیشتر به آنجا رفتیم، چون نه برای من، جایی برای ورزش داشت، نه برای دخترم جذابیتی برای بازی.

قرار شده اینجا پاتوق ما شود

ثریاد اوودی، یکی از نوجوانان حاضر در مراسم امروز است؛ از دختران مسجدی و فعال محله امیرآباد که امروز همراه دوستانش به افتتاحیه آمده. پرانرژی است و با شور خاصی حرف می زند: «من و دوستانم عضو کتابخانه فرهنگ سرای نصرت هستیم. در این منطقه، جز همین فرهنگ سرا و چند پارک کوچک بانوان، واقعا چیزی برای تفریح و وقت گذرانی نداشتیم. هر وقت می خواستیم دور هم جمع شویم یا بعد از کتابخانه کمی هوا بخوریم، جای درست و حسابی نبود.» زهرا... یاری، ساکن محله خوش سیماکه هر صبح همراه با چند نفر از همسایه ها برای پیاده روی به این بوستان می آید، می گوید: چند وقتی، بوستان بانوان نصرت بسته بود تا تجهیزش کنند. در این مدت، ناچار بودیم در پارک نصرت ورزش کنیم، ولی نمی شد لباس راحت پوشید یا با خیال راحت تمرین کرد.

از ابتدای فعالیت بوستان های بانوان، دوازده بوستان خاص بانوان با مساحت ۵۱ هکتار در کل شهر قابلیت بهره برداری داشتند اما از ابتدای دوره ششم تا امروز سه بوستان دیگر ویژه بانوان به این تعداد اضافه شده است. بوستان های شهر بانوی «وکیل آباد»، «کوهسنگی» و «نصرت» این سه بوستان هستند که مساحت بوستان بانوان را از ۵۱ هکتار به ۶۰ هکتار رساندند.

نسیم آرامش در طرح ترنم زندگی

کلاس های مشاوره با عنوان «طرح ترنم زندگی»، با محوریت آموزش مدیریت هیجانات، به صورت دوره ای در مساجد منطقه ۶ در حال برگزاری است. در این کلاس ها، شرکت کنندگان با شیوه های مؤثر کنترل هیجانات و واکنش در شرایط خاص آشنا می شوند. هدف از اجرای این طرح، ارتقای سلامت روانی، بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و ایجاد آرامش ذهنی برای شهروندان اعلام شده است. برنامه با حضور استادان متخصص حوزه روان شناسی برگزار می شود و در حال حاضر مسجد موسی بن جعفر^(ع) واقع در خیابان امیرآباد ۷ یکی از میزبان های این جلسات آموزشی است. اجرای این طرح در سایر محله های منطقه نیز پیش بینی شده است.

آمادگی شهروندان برای روزهای سخت

کارگاه آموزشی «شهروند آماده: شرایط بحرانی» با محوریت آموزش کمک های اولیه حیاتی در زمان بروز بحران، با مشارکت فعال شهروندان منطقه ۶ مشهد برپا شد. این برنامه آموزشی توسط گروه دوام ثامن و با همکاری واحد بحران و پدافند غیرعامل منطقه در مسجد علی بن ابی طالب^(ع) برگزار شد. در این دوره، مدرسان مجرب با ارائه آموزش های کاربردی تلاش کردند سطح آگاهی عمومی شهروندان در مواجهه با حوادث احتمالی را ارتقا دهند. هدف از اجرای این برنامه، افزایش آمادگی عمومی در برابر شرایط اضطراری و ایجاد فرهنگ خودامدادی و دگرامدادی در محلات منطقه اعلام شده است.



هیئات مذهبی و شهروندان منطقه ۶ اذن عزاداری گرفتند

طنین نوای حسینی در محلات

هم زمان با فرارسیدن ماه محرم، مراسم معنوی «اذن اقامه عزای حسینی» با حضور پر شور هیئات مذهبی و شهروندان در منطقه ۶ مشهد برگزار شد. در این آیین، هیئت ها و مساجد متعددی از محله های حر، پورسینا، خوش سیم، مهدی آباد، عباس آباد، موعود، ارونند، شهرآباد و مهرآباد با برپایی دسته های عزاداری و علم کشی، فضای منطقه را آکنده از شور حسینی کردند. مسیر دسته ها تا گلزار شهدای انقلاب در محله پورسینا ادامه داشت و مراسم با شبیه خوانی و آیین های سنتی عزاداری همراه بود. هدف از برگزاری این برنامه، ترویج فرهنگ عاشورا، تقویت همبستگی اجتماعی و بازخوانی پیام نهضت امام حسین^(ع) در مقابله با ظلم و استکبار عنوان شده است.



محمد جواد منوچهری، شاعر محله پورسینا
شعرهایش را در محیط متفاوت کارش می‌سراید

پختگی شاعر پای کور



در کوچه باغ‌های بی‌انتهای شعر

محمد جواد منوچهری، کودکی و نوجوانی‌اش را در کوچه باغ‌های بی‌پایان شعر و داستان گذراند؛ لایه‌لای ابیات شاعران بزرگ فارسی، اما برخلاف خیلی از شاعران که با حافظ و سعدی پایه دنیای شعر می‌گذارند، او دل باخته‌ری معیری بود. شعرهای ره‌ری را از حفظ می‌کرد، زیر لب زمزمه می‌کرد و به دنیایی پا گذاشت که قرار بود سال‌ها مأمن و پناهگاهش باشد. شعر و نوشتن، خیلی زود به سراغش آمدند. هنوز حروف الفبا را کامل یاد نگرفته بود که خودش را مشغول نوشتن یافت. او که متولد ۱۳۶۲ است، خوب یادش هست که اولین شعرش را در کلاس دوم دبستان سرود و پراز تردید، آن را برای چند نفر از دوستانش خواند. بچه‌ها هیچ‌ان زده بودند و سر کلاس به معلم گفتند که محمد جواد شاعر است! معلم از او خواست شعرش را برای همه بخواند. با خجالت قبول کرد، اما برخلاف تصوراتش، همه تشویقش کردند. همان تشویق‌های کودکانه، اما صادقانه، برای او آغاز راهی شد که تا امروز ادامه دارد.

حرف‌زدن شاعر با شعرش

سیزده ساله بود که به اصرار یکی از دوستانش راهی انجمن شعر رضوی در حرم شد؛ محفلی پراز شاعران با سابقه. اما برخورد جدی یکی از شاعران و انتقاد از شعر محمد جواد، باعث شد مدت‌ها از انجمن‌ها فاصله بگیرد. زخمش را تا مدت‌ها در دل نگه داشت. آن زمان خبری از شبکه‌های اجتماعی هم نبود. شعر را در خلوت خودش می‌نوشت و در سکوت می‌خواند. گاهی از طریق یکی از اشناایان، در قفسه‌های کتابخانه حرم به دنبال کتاب‌های مرجع می‌گشت. هرچه درباره عروض، قافیه، اعراب‌گذاری و اصول زبان پیدامی‌کرد، با دقت می‌خواند.

بعد ها که نرم‌افزارهای مجازی آمد، توانست با دیگر شاعران و استادان آشنا شود. شعرهایش را برایشان می‌فرستاد، ایراد می‌گرفتند، نقد می‌کردند، بحث می‌کردند. این تعامل‌ها قدمی مهم در رشدش شد. کم‌کم پیام‌هایی دریافت کرد: «آیا می‌توانی به ما هم سرودن شعر را بیاد بدهی؟» همین پیام‌ها آغاز راه تدریسش شد. دیگران شعرهایش را می‌خواندند، جذب زبان و نگاهش می‌شدند و پیدایش می‌کردند. می‌گوید: شاعر باید شعرش حرف بزند، نه خودش.

نیکو عقیده‌ای برای محمد جواد سیزده ساله، آن روز قرار بود یکی از باشکوه‌ترین روزهای زندگی‌اش باشد؛ روزی که برای اولین بار شعرش را در جمع شاعران با سابقه مشهد، در محفل انجمن ادبی رضوی خواند. اما هیچ چیز آن طور که خیال می‌کرد، پیش نرفت.

آخرین نفری بود که با اصرار موفق شد چند بیت بخواند. بین آن همه مرد بزرگ سال و شاعر کهنه کار، او تنها نوجوان جمع بود؛ کوچک‌تر و غریبه‌تر از همه. کسی انگار حوصله شنیدن شعر پسر بچه‌ای تازه‌وارد را نداشت. صدایش می‌لرزید، ولی چشم‌هایش برق امید داشت. پس از تمام شدن شعرش ناگهان یکی از شاعران جدی جمع، با صدای خش‌دار، بی‌مقدمه گفت: «این چرت و پرت‌ها چیست که می‌خوانی؟»

همین جمله برای شکستن محمد جواد منوچهری کافی بود. تصویر آن محفل، نگاه‌های بی‌تفاوت، و آن جمله تلخ، تا سال‌ها با او ماند. شاعر شد، اما در سکوت. شعر گفت، اما برای خودش. در خانه ماند با کتاب‌هایش.

البته آن تجربه تلخ، خوبی‌هایی هم داشت. بذر مسیری تازه را در دلش کاشت. سال‌ها نشست و خواند؛ دستور زبان، عروض و قافیه، سبک‌ها و ساختارها. خودش را ساخت. حالا که سال‌ها از آن ماجرا گذشته، محمد جواد نه تنها چند جلد کتاب غزل و رباعی منتشر کرده و مقام‌های استانی و کشوری ادبی کسب کرده، بلکه سرایش شعر را هم آموزش می‌دهد و محفل ادبی خودش را نیز راه انداخته است؛ محفلی برای نوجوان‌ها، برای آن‌هایی که شاید مثل خودش در سن و سال کم، دل‌نازک و بی‌تجربه باشند. می‌خواهد بچه‌ها، وقتی برای اولین بار شعرشان را می‌خوانند، با لبخند از جلسه بیرون بروند، نه ناامید و سرگردان.

یکی از همین بچه‌ها

بعد از سال‌ها فعالیت در فضای مجازی و دیده شدن توسط مخاطبان شعر، بالاخره به اصرار دوستان شاعرش دوباره به محافل ادبی برگشت؛ بازگشتی پراز تردید، اما همراه با دلگرمی‌هایی تازه. خاطره‌ای جالب از همان روزهای اول برایمان تعریف می‌کند: دقیق یادم است، یک بار که بعد از مدت‌ها یکی از جلسات انجمن‌ها رفتم، اتفاقی چشمم به همان شاعری افتاد که سال‌ها پیش، در کودکی ام، شعرم را بی‌رحمانه نقد کرده بود. حالا دیگر پیشکسوت جمع شده بود. شعرم را که خواندم، بلند شد و ایستاده تشویق‌م کرد. مرا نمی‌شناخت. بعد از جلسه، رفتم و ماجرای آن روز تلخ کودکی را برایش تعریف کردم. حساسی جا خورد... حالا محمد جواد در انجمن‌های مختلفی حضور فعال دارد؛ از انجمن فرهنگی سوره گرفته تا «تشریف» و دیگر محافل ادبی مشهد. حدودش سال پیش بود که آموزش حضوری را هم آغاز کرد. اولین بار در پارک کودکان، برای انجمن «آهوی دل»، در کوهسنگی جلسه‌ای برگزار کرد. بعد نوبت به انجمن «فروغ» در کتابخانه بوستان وحدت رسید و از آنجا به مدارس و حسینیه‌های منطقه ۶ مشهد رفت؛ جایی که خودش آن را پراز استعداد‌های خاموش می‌داند؛ «بچه‌هایی هستند با استعداد‌های فوق‌العاده، اما کسی نمی‌بیندشان. اغلبشان در خانواده یا مدرسه درک نمی‌شوند. فضای فرهنگی مناسبی ندارند و نمی‌دانند با علاقه‌شان به شعر و نوشتن چه کنند. من خودم روزی یکی از همین بچه‌ها بودم. هیچ‌کس در اطرافم نمی‌فهمید که چرا شعر می‌نویسم. حتی برای خیلی‌ها نوشتن شعر، عجیب یا حتی بی‌معنی بود. نمی‌خواهم این بچه‌ها هم همان حس را تجربه کنند.»

کعبه فضای فرهنگی

با همین دغدغه‌ها بود که انجمن ادبی «چکامه» رادر کتابخانه بوستان اردیبهشت راه اندازی کرد؛ محفل کوچکی که یک سال ونیم به طور منظم برای نوجوانان شاعر جلسه می گذاشت؛ رایگان، بی چشمداشت، فقط برای آن ها که دلشان برای واژه‌های تمپید، اما همکاری با کتابخانه ناگهان قطع شد. بدون توضیح مشخص. حالا جلسات «چکامه» به منطقه ۴ منتقل شده، جایی دورتر، و بچه‌هایی که دل در گرو این جلسات دارند، مسیرهای طولانی را طی می کنند تا بتوانند هر هفته چند ساعت شعر بخوانند و شنیده شوند. می گوید: همیشه نگران این بچه‌ها هستم. نگرانم که استعداد هایشان به هدر برود. بارها با مسجد های محله خود مان، مثل مساجد پورسینا، صحبت کرده ام. در ظاهر استقبال می کنند، قول همکاری می دهند، می گویند برای بچه‌ها جلسه می گذاریم، اما در عمل هیچ اتفاقی نمی افتد. با حسرت ادامه می دهد: اینجا کلاس های ورزشی چند سالی است برپا می شود، برای ورزشکارها برنامه دارند، هزینه می کنند، حمایت می کنند. اما برای بچه‌هایی که اهل نوشتن اند، اهل ادبیات و هنرند، هیچ فضا و امکانی وجود ندارد. کسی نیست که آن ها را جدی بگیرد.

شعرهای داغ کوردهای

صنعتی سروکار دارد. خودش اما این تضاد را عجیب نمی داند. بالبخند می گوید: باور می کنید خیلی از شعرها همان پای کوره به ذهنم می رسند؟ همان لحظه از کنار کوره کنار می کشم، دفترم را در می آورم و می نویسم.» برای خیلی ها جالب است که چطور شاعری در محیطی خشک و صنعتی دوام می آورد. اما محمد جواد اعتقاد دارد که دنیای درونی یک شاعر، جای امن و مستقلی است؛ دنیایی که حتی سروصدای حرارت کوره ها هم نمی تواند خدشه ای به آن وارد کند.

می گوید هر چیزی می تواند الهام بخش باشد؛ از جمله ساده ای روی یک بیلپورد تبلیغاتی گرفته تا داستانی که چند روز پیش در یک کتاب خوانده. معتقد است نگاه شاعران به دنیا باید یگانه فرق دارد؛ گاهی فقط یک تصویر، یک حس گذرا یا یک جمله معمولی، می تواند روح را قلقلک بدهد و جرقه یک شعر تازه شود. اما زندگی شغلی اش در ظاهر هیچ سنخیتی با این روح لطیف ندارد. رشته تحصیلی اش متالورژی بوده و حالا مسئول کنترل کیفی یک آزمایشگاه است؛ جایی که با فلز و کوره و سختی کار

برگزاری محافل ادبی فقط بخشی از دنیای محمد جواد منوچهری است؛ شاعری که حالا چندین دفتر شعر در قالب های غزل و رباعی دارد. به قول خودش «سرودن، بیشتر از هر کار دیگری در دنیا دلش را گرم می کند.» برایش مهم نیست کجا باشد؛ خانه، اتاق کارش یا حتی مترو و اتوبوس. همین که بیتی در ذهنش جرقه بزند، فوری خودکار و دفترچه اش را از جیب بیرون می کشد و آن لحظه را روی کاغذ ثبت می کند.

از «گیدا» تا شعرهای آیینی

نتیجه این همه علاقه، اشتیاق و سرایش های بی وقفه، مجموعه ای از کتاب های منتشر شده است. محمد جواد منوچهری اولین کتابش را در سال ۱۴۰۱ با عنوان «گیدا» منتشر کرد؛ دفتری شامل صد غزل عاشقانه. گیدا تنها مجموعه مستقل اوست، زیرا با افزایش هزینه های چاپ، انتشار مستقل کتاب دیگر برایش ممکن نبوده است. همین باعث شد که مسیر انتشار را به سمت کتاب های اشتراکی ببرد. آثار دیگرش دو هفته بعد از انتشار گیدا، در یک مجموعه شعر

در کنار آثار چهار شاعر دیگر به چاپ رسید؛ با کتابی بانام «رد پای سرخ دل» این مسیر ادامه پیدا کرد و منوچهری بعد ها با مجموعه مشترک «ماه اندیشان ماه قلم» و هشت کتاب اشتراکی دیگر در جمع شاعران فعال باقی ماند. او حالا چند سالی است که به سرودن شعرهای آیینی هم می پردازد؛ شعرهایی با مضمون زندگی ائمه اطهار (ع). البته پیش از شروع این مسیر، مطالعه بسیاری کرده است. خودش با صراحت می گوید: آفت شعر آیینی امروز، سندیت نداشتن مضامین آن است. خیلی وقت هایک شاعر آیینی داستانی را در روضه می شنود، تحت تاثیر قرار می گیرد و شعری می سراید.

اما به نظر من، اگر مثلامی خواهی درباره امام حسین (ع) شعر بگویی، قبلش باید کل زندگی ایشان را از کتاب ها و منابع معتبر بخوانی و بشناسی. این دقت و جدیتی که در کارش دارد، بی نتیجه نمانده است. اشعار عاشقانه و آیینی محمد جواد منوچهری تا امروز بارها در جشنواره های مختلف مورد تقدیر قرار گرفته اند. مانند جشنواره افق های روشن و جشنواره شعر ولایت. اما مهم ترین موفقیت او، کسب مقام اول در جشنواره ملی شعر نیکوکاری است؛ افتخاری که در خرداد سال ۱۴۰۱ به دست آورد و همچنان یکی از نقاط عطف کارنامه هنری اش محسوب می شود.

شیرین تر از همه جایزه ها

یکی دیگر از نقاط عطف زندگی هنری محمد جواد منوچهری، خاطره ای است که هنوز هم با شیرینی خاصی از آن یاد می کند؛ خاطره ای که برایش حتی از دریافت مقام های گوناگون در جشنواره ها ارزشمندتر است؛ می گوید: این همه جایزه و مقام گرفتم، اما هیچ یک به شیرینی تأیید مادرم نبود. همیشه به من می گفت «پسر جان! این شعرهایی که می نویسی فایده ای ندارد. یک شعر برای امام رضا (ع) بگو، شعری که از تلویزیون پخش شود!» این حرف از بچگی توی گوشم بود.

انتظار چندین ساله بالاخره هفت سال پیش به ثمر نشست. در یکی از برنامه های تلویزیونی که از شبکه خراسان پخش شد، او به عنوان یکی از پنج شاعر ایرانی برای شعرخوانی در کنار شاعران پاکستانی و هندی انتخاب شد. این برنامه به مناسبت حضور شاعران از کشورهای مختلف در مشهد و حرم امام رضا (ع) برگزار شده بود. محمد جواد آن روز شعری برای امام رضا (ع) خواند، شعری که بالاخره دل مادرش را به دست آورد.

بالبخند پیرایه رضایت ادامه می دهد: همان شب وقتی مادرم تصویرم را در تلویزیون دید، از ته دل به من افتخار کرد. شیرینی آن لحظه، برایم از تمام جوایز بیشتر بود. بعد از آن هم شعر خوانی های او در برنامه های دیگری مثل شب شرقی و شبکه های مختلف بارها پخش شد. اما به گفته خودش، هیچ کدام شیرینی آن شب خاص و تأیید مادرا را نداشتند.

شعری به مناسبت حمله اخیر رژیم کودک کش اسرائیل

بزن به سیم آخر و پیاده کن تقاص را
به عالمی نشان بده نتیجه ی قصاص را

شبیبه صاعقه بزن به تار و پود قوم شر
بریز درد و چشم او هراس و التماس را

برای فتح خیبری دوباره یا علی بگو
به خاک و خون بیابکش یهود ناسپاس را

غدير غم گرفته رادوباره شاد دادکن
شبیبه معجزه بکش ز چننه برگ آس را

وطن به غم تو را چه کم، نبینمت دقیقه ای
ز روزی شغال ها به دل نده هراس را

امام هشتمی تو را گرفته سخت در بغل
به سمت آسمان بیر تمامی حواس را

و ما رمیت، را بخوان بزن به قلب تیرگی
به عالمی نشان بده نتیجه قصاص را



شب شعر ولادت حضرت فاطمه معصومه (س)
در حسینیه امام رضا (ع)
اسامی همراهان: آقایان غفورزاده شفق، رستگار، حسین پور، عامری و موحدیان

هر کس می رسد از راه نادر شاه خواهد شد

سقوط از چشم هایت مردنی جانکاه خواهد شد
نفس وقتی غم آلود است شکل آه خواهد شد

به پایت سوختم تا قد کشیدی، من زمین خوردم
همیشه عمر شمع از سوختن کوتاه خواهد شد

تواز من دور اما سال ها در قلب من بودی
نصیب برکه، تنها نقش روی ماه خواهد شد

درخشانی شبیه شیشه افتاده در ساحل
که عابر با ناگهت مدتی گمراه خواهد شد

سرت گرم است بی من، باشلوعی های اطرافت
همیشه باغ بی صاحب آتفرجگاه خواهد شد

لرزم فتح قلبت آیه انافتحن نیست
که هر کس می رسد از راه نادر شاه خواهد شد

صدای شعر از دل کوره

برای محمد جواد منوچهری، شعر فقط واژه و قافیه نیست؛ راهی است برای ماندن در مسیر، حتی وقتی زندگی او را به سمت صنعت و فلز کشانده. او سال ها است که میان گرمای کوره و سرمای بی توجهی ها ایستاده، اما شعر را زمین نگذاشته است. حالا که شاعرانش با اعتماد به نفس شعر می خوانند و انجمن ادبی اش چراغی برای نوجوان ها شده، شاید بتوان گفت آن پسر بچه ساکت سیزده ساله، بالاخره دیده شده است؛ نه فقط با شعرهایش که با ایستادگی اش.

روایت زندگی علی عزیزاده حسین آبادی، مداحی که دست خیلی ها را در محله کوی سلمان گرفته است

از برکت روضه موسی بن جعفر^(ع)



راه تجربه

علی، تو حتما باید برایمان بخوانی!

تعریف می کند: صدایم که پشت بلندگو پخش می شد، به بهانه نازک بودن صدایم، می گفتند تو برو کنار! من هم از ناراحتی می رفتم خانه و فقط جیغ می زدم. خدا رحمت کند پدرم را تشرمی زد که، چه خبره این قدر داد و فریاد راه انداخته ای؟ می گفتم: مسجد را هم نمی دهند؛ داد می زدم که صدایم کلفت شود!

علی آن زمان از برخورد مسجدی ها آزرده خاطر شد اما این دلخوری موجب نشد که او از علاقه اش به خواندن و حضور در محافل مذهبی دست بکشد. روزی نبود که او تمرین صدا نکند و این تلاش ها تا آنجا پیش رفت که او ساکن دار برنامه های مذهبی و روضه خوانی در محله و همان مسجدی شد که همه دوران کودکی اش حسرت به دل مانده بود نطقش باز شود و یکی تشویقش کند.

دوازده سیزده سال بیشتر نداشت که هر مراسمی نیاز به مداح داشت، علی را صدای زنده؛ «فرقی نمی کرد تعزیه مربوط به یکی از اهالی محله باشد، یا شهادت و ولادت ائمه اطهار^(ع)، کل مراسم رابه دست می گرفتم. آن زمان مانند این دوران نبود که موقعیت شکوفایی استعداد برای بچه ها فراهم باشد و حضور من به عنوان یک نوجوان در پیوش مداح موجب شده بود دوست و همسایه خیلی دوستم داشته باشند و این بار از صدایم استقبال می کردند و می گفتند علی، تو حتما باید برایمان بخوانی!

حاج علی از خدایم از برات طاهان، رفیق و همراه همیشگی اش در این مسیر نیز یاد می کند که در همه برنامه ها کنار هم بودند و نبض عزاداری ها و جشن های کوی سلمان دستشان بود.

پرچم دار روضه های مادر

روضه های چهارشنبه هر هفته خانه حاج علی، یادگار مادر خدایم مریم چمنی است؛ «مادرم ارادت خاصی به آقا موسی بن جعفر^(ع) داشت. نداشت بود که برنامه روضه های چهارشنبه هایش از قلم بیفتد. همیشه می گفت هر چه دارم از آقا موسی بن جعفر^(ع) است. بعضی حاجت هایش را که به فراد رسیده بود، برایمان می گفت. تنها خودش نبود که از این سفره کرم آقا بهره برده بود. خیلی های دیگر هم از حوائج برآورده شده و برکت روضه های چهارشنبه های مادر می گفتند.

مریم خانم سال ۶۸ بر اثر سکته فوت کرد اما چراغ روضه هایش پرفروغ تر از قبل روشن ماند. بانی مجلس موسی بن جعفر^(ع)

میزبانی از ذاکرین امام محمد باقر^(ع)

از هشت فرزند علی آقا، یک دختر و سه پسرش علاقه مندی پدر به مداحی را به ارث برده اند. حالا هر کدام از این عزیزان ها گوشه ای از بار مسئولیتی را که یک عمر بر دوش حاج علی بوده است، عهده دار شده اند و بانوای خوش و دل نشین خود، همه برنامه های مناسبتی را پوشش می دهند.

همین شور و شوق، جرقه یک اتفاق خوب دیگر را در زندگی پربرکت حاج علی عزیزاده رقم زد؛ حاج علی می گوید: به برکت موسی بن جعفر^(ع)، در حال ساخت ساختمان چهار طبقه ای در محدوده خیابان شهید علیمردانی هستیم که طبقه همکف آن را برای تمرین دوستداران مداحی و روضه خوانی اختصاص داده ایم و بانام «ذاکرین امام محمد باقر^(ع)» مزین شده است.

خانه ای که مأمّن نیازمندان است

خانه حاج علی آقا و زینت خانم تنها پاتوق برویاهای خانم های روضه ای و بچه مسجدی ها نیست، بلکه سال هاست به مأمّن عروس و دامادهای نیازمند هم تبدیل شده است. فقط در ۱۰ ماه گذشته، ۳۲ دست جهیزیه در همین خانه تهیه و به عروس های نیازمند تحویل داده شده است. با اینکه بازنشسته ساده دانشگاه است اما بقول خودش درآمدش برکت دارد.

انجام تحقیقات اولیه درباره راستی آزمایی کسانی که مراجعه می کنند را دخترش، خدیجه خانم برعهده دارد و کافی است او مهر تأیید بر درخواست بجای خانواده ای بزند؛ آن وقت است که پدر دست به کار می شود و همه اعضای فامیل و حتی کاسبان محل را پای کار می آورد تا زوج های نیازمند هر چه زودتر راهی خانه بخت شوند. از شهریور سال گذشته تاکنون، هشت مجلس عروسی در خانه پدری خدیجه خانم برگزار شده است؛ «برای حفظ کرامت، جشن عروسی دختران نیازمند محله خودمان را در خانه خیران محله احمدآباد برگزار می کنیم و جشن نیازمندان مناطق دیگر را در خانه پدرم راه می اندازیم. همه کارهایی که در روز جشن برای دختر و پسرهای خودمان انجام می دهیم، برای این زوج ها هم انجام می شود تا خاطره مهم ترین روز زندگی شان برایشان ثبت و ماندگار شود.»

سعیده ساجدی نیا اکنار دودختر، تک پسر خانواده بوده است. پنج سالگی اش را خوب به خاطر دارد که همراه پدر و مادرش راهی مسجد می شد. تازه برای مسجد پنج تن^(ع) میکروفن خریده بودند و برای بچه ها جذابیت داشت که برگشت صدایشان را پشت آن بشنوند. این شوق و ذوق برای علی شاید بیشتر هم بود.

علاقه به خواندن از همان کودکی در او وجود داشت. تا چشم بزرگ ترهای مسجدی را دور می دید، پشت بلندگو می رفت و شروع به صحبت می کرد. ثن صدایش اما ریز بود و به گوش سن و سال دارها دلخراش به نظر می رسید و بلندگو را از دستش می گرفتند!

اینطور بود که قصه گرایش جدی علی عزیزاده حسین آبادی به مداحی و روضه خوانی اهل بیت^(ع) از همان جاکلید خورد. او اکنون ۷۳ بهار زندگی را پشت سر گذاشته است و بیشتر از اینکه در مشهد و خانه اش باشد، در کربلای معلی و نجف اشرف حضور دارد. خودش می گوید دست کم ماهی دوبار عازم عراق و حرمین شریفین می شود.

این بار تنها عرووش، زینت عزیزاده بود که حالا بیش از چهار دهه، نذر مادر شوهرش را با همان سبک و سیاق ادامه داده است. زینت خانم تعریف می کند: از همان اولین چهارشنبه بعد از ازدواج، این روضه در خانه مان پا گرفت؛ آن هم در شرایطی که برای ناهار، یک تخم مرغ آب پز بیشتر نداشتیم که با علی آقا تقسیم می کردیم. حقوقش را که می گرفت، ابتدا هزینه روضه خوان و یک پذیرایی قند و چای را کنار می گذاشتیم.

او روزهایی را به یاد می آورد که آرزوی زیارت شلمچه را داشت، اما همان جا اولین زیارت عتبات نیز قسمتش شد و حالا شمار این سفرهای زیارتی به بیش از هشتاد نود سفر به کربلا، مکه و سوریه رسیده است.



گزارشی از فعالیت این روزهای خیریه متوسلین به حضرت ولی عصر (عج) در محله شهید رستمی

اینجا کسی تنها نمی ماند



عیدگاه

هم سهیم بوده اند: «سال گذشته ۶۴ میلیون تومان برای خرید یک دستگاه مورد نیاز بیماران سرطانی به بیمارستان کمک کردیم. این کارها با حمایت مردم و خیران ممکن شده است.»

● راهی برای توانمندسازی

در کنار همه این اقدامات، خیریه در حوزه آموزش هم قدم های تازه ای برداشته است. برای دانش آموزان خانواده های تحت حمایت، کلاس های تقویتی برگزار می شود؛ کلاس های درس اصلی مثل ریاضی، زبان انگلیسی و ادبیات فارسی. کربمی می گوید: در هفته های اخیر که امتحانات پایان ترم در جریان بوده است، اینجا هر روز کلاس تقویتی برگزار کردیم. باور داریم که حمایت از فرزندان این خانواده ها، بهترین راه برای توانمندسازی خود خانواده هاست. آموزش می تواند مسیر زندگی شان را تغییر بدهد.

خانم دیگری که او هم سرپرست خانوار است، از تجربه فرزند نوجوانش می گوید: پسرم کلاس یازدهم است. امسال برای امتحان های پایان ترمش، در کلاس های تقویتی خیریه شرکت کرد. کلاس ها رایگان بود و خیلی به درش کمک کرد. اینکه فقط به فکر معیشت و خوراک آدم هانیستند و برای آموزش بچه ها هم اهمیت قائل اند، واقعا ارزشمند است.

● در کنار بیماران سرطانی

اما توزیع بسته های معیشتی فقط بخشی از فعالیت های این خیریه است. محسن کربمی، مدیر عامل خیریه، توضیح می دهد که یکی از اقدامات مهم آن ها، حمایت از بیماران سرطانی کم بضاعت است؛ اقدامی که از همان سال های آغاز فعالیت خیریه در دستور کار بوده، اما حالا به شکل جدی تری دنبال می شود. او می گوید: با بیمارستان امید هماهنگ کرده ایم تا مددکار خیریه، هر هفته روزهای دوشنبه در بیمارستان حضور داشته باشد. بیماران ما آنجا ویزیت می شوند و ما بخشی از هزینه های شیمی درمانی، پرتودرمانی و داروهایشان را پرداخت می کنیم. به این شکل، هم فرایند درمان راحت تر پیش می رود و هم نگرانی خانواده ها کمتر می شود. آن طور که کربمی توضیح می دهد، کمک های خیریه فقط به بیماران تحت پوشش محدود نمی شود. آن ها در تأمین تجهیزات پزشکی

نیکو عقیده / سال ۱۳۷۷ بود؛ جمعی از بازاریان قدیمی پنجره پایین خیابان تصمیم گرفتند کاری از جنس مهریانی آغاز کنند. دور هم جمع شدند. دل هایشان را یکی کردند و خیریه ای بانام متوسلین به حضرت ولی عصر (عج) راه انداختند. حالا سال ها از آن روز می گذرد و ساختمان این خیریه در محله شهید رستمی تبدیل به پناهگاهی امن برای افراد شده است. حدود ۱۷ خانواده کم بضاعت تحت حمایت این خیریه هستند. هر ماه بسته های معیشتی به دستشان می رسد. دارو و هزینه درمان بیماران به ویژه سرطانی ها تأمین می شود و هر جا کسی به کمک نیاز داشته باشد، اعضای خیریه تلاش می کنند بی صدا و بی منت، گره از کارش باز کنند.

● یک خیریه پای کار اعضای خانواده

روزی که به خیریه سر می زنم، مصادف شده با موعد توزیع بسته های معیشتی. حال و هوای مرکز شلوغ تر از همیشه است و بسته ها هم به گفته مسئولان، پرو پیمان تر از ماه های قبل. محسن کربمی، مدیر عامل خیریه، دلیل میزان بیشتری کمک ها را شرایط خاص این روزهای دانست. می گوید در هفته اخیر بسیاری از کسب و کارها خوابیده اند. وضعیت اقتصادی، در کنار تأثیرات جنگ و رکود بازار، حتی مشاغل خرد در مشهد را بی نصیب نگذاشته است. فرصتی دست می دهد تا با چند نفر از مراجع کنندگان گپ بزنم. یکی از زنانی که ساکن محله آباد است و سرپرستی خانواده اش را به عهده دارد، می گوید: خدمات این خیریه فقط به توزیع بسته های معیشتی محدود نمی شود. وقت هایی هم بوده که در پرداخت اجاره خانه به کمک آمده اند. اگر نبودند، واقعا نمی دانستم باید چه کنم.



نوجوان محله شهید آوینی آرزو دارد روزی در بین الحرمین نوحه سرایی کند

دلیم برات تنگ شده حسین^(ع)



امید محله

خاطره من است. در شب وفات حضرت ام البنین^(س) همراه هیئت عاشقان علم دار به حرم رفتیم و آنجا افتخار داشتم و این نوحه را خواندم: «موج پرچم به فرمان ام البنین^(س) است / اشک نم نم به فرمان ام البنین^(س) است.»

● در مسیر نوحه خوانی چه آینده ای را برای خودت در نظر گرفته ای؟

دوست دارم مانند آقای حسین طاهری بشوم، هم در رفتارم و هم در نوحه خوانی. همیشه صدایش را گوش می کنم و به نوحه خواندنش دقت می کنم. او الگوی من در نوحه خوانی است.

● دوره های آموزشی هم گذرانده ای؟

نه اما از همان کودکی که همراه پدرم به هیئت های مذهبی می رفتم، به صورت تجربی مداحی را یاد گرفتم و با تمرین و کمک های پدرم توانستم نوحه بخوانم. سال گذشته، مقام اول مداحی در مسابقات قرآن و عترت منطقه تبادکان را کسب کردم و امسال هم در سطح استانی مقام دوم مسابقات نوحه خوانی را به دست آوردم.

● آرزو داری کجا مداحی کنی؟

یک شب جمعه در بین الحرمین برای امام حسین^(ع) نوحه بخوانم و حال و هوای عاشقانه آن را تجربه کنم.

● نوحه ای هم برای آرزویت در نظر گرفته ای؟

برای امام حسین^(ع) خیلی زیاد نوحه انتخاب کردم، اما این نوحه را بیشتر دوست دارم که بخوانم: «دلیم برات تنگ شده حسین^(ع) / پریشونم، به جورایی من شبیه مجنونم / ازکی عاشق شدم نمی دونم.»

● تا به حال دوستانت با دیدن تو تشویق شده اند که مداح شوند؟

یکی از دوستان مدرسه ام درباره مداحی از من سؤال می پرسید و همراه من به هیئت محله یعنی هیئت عاشقان علم دار آمدم.

● به غیر از هیئت مدرسه، در هیئت دیگری هم فعالیت می کنی؟

در هیئت عاشقان علم دار کنار پدرم فعالیت دارم. برای عزاداران چای می برم و در قسمت آخر مجلس عزاداری هم نوحه خوانی می کنم.

● از بین همه مداحی هایت، کدام یکی را بیشتر دوست داری؟

اولین باری که در حرم امام رضا^(ع) مداحی کردم، بهترین



مرضیه میرزاپور / اینکه توانایی ات را شناسایی کنی و آن را پرورش بدهی، اتفاقی است که شاید همه آدم ها آن را تجربه نکنند؛ به ویژه اگر استعدادت را در راهی خرج کنی که با جان و دل دوستش داری. محمد طاهر مضانی، نوجوان یازده ساله محله شهید آوینی، توانسته است در یک سفر زیارتی به کربلا مسیر خود را پیدا کند و به عنوان یکی از مداحان خوب محله و همچنین مسئول هیئت «نونهالان علم دار مشهد الرضا^(ع)» در مدرسه پاسداران معرفی شود. او همچنین موفق شده است در مسابقات «قرآن و عترت» منطقه تبادکان و استان، مقام اول و دوم را کسب کند.

● چه چیز باعث شد تصمیم بگیری نوحه خوانی را شروع کنی؟

وقتی کودک بودم، همراه خانواده به زیارت حرم امام حسین^(ع) رفتیم. خاطره خوش آن سفر باعث شد تصمیم بگیرم مداح بشوم.

● نوحه خوانی چه تأثیری در زندگی ات داشته است؟

فکر می کنم خوش اخلاق شده ام؛ چون کسی که مداح اهل بیت^(ع) است باید اخلاق حسینی داشته باشد، یعنی مهربان باشد و به همه کمک کند. به همین دلیل مردم هم برخورد خوبی با من دارند و همچنین از وقتی مداحی می کنم در مدرسه هم جزو انتظامات و همیاران پلیس شده ام.



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید اسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



○ موسی‌الرضا شریفی، مسئول خیمه نبش خیابان شهید آرمون ۱۴ است. پنج‌سالی می‌شود که او و دیگر بچه‌های هیئت خدام الزهرا^(س) محله ثامن در دهه اول محرم، خیمه پذیرایی از عابران را علم می‌کنند.



○ ابراهیم دلاوری، عضو هیئت امام حسن مجتبی^(ع)، می‌گوید که اعضای این هیئت دو سال است که «چای خانه کریم اهل بیت^(ع)» را در دهه اول محرم، شب‌های جمعه و مناسبت‌های مختلف مذهبی در ابتدای خیابان وحدت ۱۴ برپا می‌کنند.



جوانان هیئتی و حسینی هیئات و مساجد منطقه ۵ با شروع ماه محرم، خیمه‌های پذیرایی از عزاداران را برپا کردند

بنوش به یاد حسین^(ع)

سید محمد عطایی دو باره ماه محرم رسید و کوچه‌ها و خیابان‌ها و عزاداران حسین^(ع) سیاه‌پوش شدند؛ سیاه‌پوش شهدای کربلا که لب تشنه به جنگ با دشمنان اهل بیت^(ع) رفتند. به رسم هر ساله بچه‌های هیئتی‌های منطقه ۵، آستین‌بالا زدند تا برپایی خیمه‌های حسینی، لب‌های تشنه عزاداران امام حسین^(ع) را سیراب کنند. حال‌آدر هر کوچه و خیابانی از سطح منطقه که چشم‌پنجر خانی، خیمه و چای‌خانه‌ای دایر است.



○ علی‌امیری، یکی از اعضای فعال هیئت حضرت زینب^(س)، می‌گوید: این هیئت پانزده‌سالی می‌شود که دهه اول محرم، حاشیه فلکه پرتردد دوم گلشهر چای‌خانه برپا می‌کند. این چای‌خانه ماکتی از ضریح حضرت زینب^(س) هم دارد که مردم خیلی دوستش دارند.



عکس: سید محمد عطایی / شهرآرا

○ علی‌شاه حسینی، عضو جوان هیئت قمر بنی‌هاشم^(ع)، همراه دیگر جوانان هیئتشان، مسئول برپایی خیمه پذیرایی عزاداران حسینی در خیابان گلریز ۷ محله شهید آوینی است. خیمه‌کوچکشان هر شب تا آغاز مراسم عزاداری مسجد المهدی^(عج) در این خیابان فعال است.